



## ❶ A comparative Comparison of Heydari's History by Hosseini Razi with Tatavi's Alfi History

 Seyedhossein Hosseiniseddiq<sup>1</sup>

 Elham Malekzadeh<sup>۲</sup>

Submitted: 2024-01-02 Revised: 2024-02-17 Accepted: 2024-02-19 Published: 2026-090321 pp.5-21

### Abstract

Heydari's history is one of the historical texts of the Safavid era, which was written by Mir Heydar -ibn Ali -ibn Mahmoud Hosseini Razi, one of the authors and historians of the first half of the 11th century AH. The manuscript Majma al-Tawarikh or Zubda al-Tawarikh or Heydari's history is a general and irregularly authored history of the history of Iran and the Seljuk's of Minor Asia, the Khans of Karim, the Ottomans, and the Muslim kings of India. This work includes five chapters. These five chapters make up the first volume, which is related to prophets, caliphs, and kings, and the second volume should be on "sages, scholars, and poets." The sources used by Heydari's history, which he also mentioned in the introduction, are many; One of these sources is the history of Alfi belong to Qazi Ahmad Tatawi. In this research, while introducing the author and the manuscript of Heydari's history, using the comparative-analytical method, it is attempted to examine the historiography and compare the two works of Heydari's history and Tatawi's Alfi history, and identify the possible differences and shortcomings of the two works. The result of this research shows that the author of Heydari's history has taken the major part of his book from Alfi history. The most important reason for the difference between these two works should be found in the historiographic goals of these two authors.

**Keywords:** Heydari's history, Comparative comparison, Alfi's history, Historiography.

### CONFLICT OF INTERESTS

The authors declare that there is no conflict of interest regarding the publication of this paper.

This is an open access article under the terms of the [Creative Commons Attribution-NonCommercial License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/), which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited and is not used for commercial purposes.

© 2024 The Author(s). Journal of Codicology and manuscript research published by Torath pub. on behalf of the Scientific Association of Manuscript Research and Codicology of IRAN.



1. PhD Candidate in History of Iran at Institute for Humanities and Cultural Studies. Tehran. Iran.
2. (Corresponding Auther) Associated Professor in Department of History, Institute for Humanities and Cultural Studies. Tehran. Iran.



## References

- 'Abdī Beyk Shirazī, Khawajeh Zeyn Al -'Abedin 'Alī, Takmelat-al Akhbār, Revised by 'Abd- al Ḥossein Navā'ī, Tehran, Nashr-e Ney, 1369 SH/ 1991.
- Afshār, Īraj, 'Ālamārāy-e Shāh Ṭahmāsb, Donyā-ye Ketāb, Tehran, 1370 SH/ 1992.
- Anousheh, Ḥassan, Farhangnāmeḥ-e Adabī-e Īrān, Dāneshnāmeḥ-e Adab-e Fārsī, Gozideh-e Eṣṭelāḥāt, Mazāmin va Mouzouāt Adab-e Fārsī, Second Edition, Farhang va Ershād-e Eslāmī, Tehran, 1381 SH/ 2003.
- Bartold, Vasily Vladimirovich, Torkestān Nāmeḥ, trans. Karim Keshāvarz, Tehran, Āgāh, 1366 SH/ 1988.
- Dehkhodā, 'Alī Akbar, Loghat Nāmeḥ Dehkhodā, Second Edition, Tehran University, Tehran, 1377 SH/ 1999.
- Ebn-e Aṣīr Aljazarī, 'Ez-al-Din Abou Al-Ḥassan 'Alī Ebn-e Aḥmad Ebn- e Abī Al- Kerām, Al- Kāmel fī Al-Tārīkh, Dār Al- Ṣādir, Beirut, 1385A.H/ 1965.
- Ebn-e Aṣīr Aljazarī, 'Ez-al-Din Abou-al-Ḥassan 'Alī Ebn-e Aḥmad Ebn- e Abī Al- Kerām , Tārīkh-e Kāmel-e Bozorg-e Eslām va Īrān, trans. 'Abbās Khalīlī va Abou- al Qāsem Ḥālat, Moasseseh Maṭbouāti 'Elmī, 1371 SH/ 1993.
- Fotouḥī, Maḥmoud, Sabkshenāsī-e Naẓariye'hā, Rouykard'hā va Ravesh'hā, First Edition, Sokhan, Tehran, 1391 SH/ 2013.
- Golchin Ma'anī, Aḥmad, Tārīkh-e Taẓkere'hāye Fārsī, Second Edition, Ketābkhāneh Sanāeī, Tehran, 1363 SH/ 1985.
- Ḥosseini Esterābādī, Ḥassan, Az Sheykh Ṣafī tā Shāh Ṣafī, Tārīkh-e Solṭānī, Corrected by Eḥsān Eshraqī, 'Elmī, Tehran, 1364 SH/ 1986.
- Ḥosseini Rāzī, Mir Ḥeydar Ebn-e 'Alī Ebn-e Maḥmoud, Tārīkh-e Ḥeydarī, Staatsbibliothek zu Berlin, Ms. Orient. Fol. 17. 2 Volumes A & B.
- Navā'ī, 'Abd- al Ḥossein, Asnād va Mokātebāt-e Tārīkhī Az Teymour Shāh ta Shāh Esmā'īl, Tehran, Enteshārāt-e 'Elmī va Farhangī, 1370 SH/ 1992.
- Rāvandī, Morteẓā, Tārīkh-e Ejtemā'eī-e Īrān, Second Edition, Tehran, Negāh, 1382 SH/ 2004.
- Romlou, Ḥassan, Aḥsan-al Tavārikh, Revised by Navā'ī, 'Abd- al Ḥossein, Tehran, Bābak, 1357 SH/ 1979.
- Ṣafā, Zabīḥ Allah, Tārīkh Adabiyāt dar Īrān, Ferdows, Tehran, 1378 SH/ 2000.
- Shirvanī, Zeyn Al -'Abedin, Bostān Al- Siyāḥeh, Sanāeī, Tehran, ND.
- Ṭabarī, Moḥammad 'Alī, Zobdat-al Āṣār, Tehran, Amir Kabir, 1372 SH/ 1994.
- Tatabā, Qāzī Aḥmad, Āṣef, Qazvinī, Edited by Golām Reẓā Ṭabāṭabāeī, First Edition, Tehran, Enteshārāt-e 'Elmī va Farhangī, 1382 SH/ 2004.
- Torkamān, Eskandar Beyk Monshī, Tārīkh-e 'Ālamārāy-e 'Abbāsī. Edited by Moḥammad Esmā'īl Reẓvānī, Tehran, Donyā-e Ketāb, 1370 SH/ 1992.

**doi** مقایسه تطبیقی تاریخ حیدری، اثر حسینی رازی با تاریخ الفی تتویسید حسین حسینی صدیق<sup>۱</sup> الهام ملک زاده<sup>۲</sup>

از صفحه ۵ تا صفحه ۲۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

**چکیده**

تاریخ حیدری، از متون تاریخی دوره صفوی است که توسط میرحیدر بن علی بن محمود حسینی رازی، یکی از مؤلفان و مورخان نیمه اول سده یازدهم هجری، به رشته تحریر درآمده است. کتاب مجمع التواریخ یا زبدة التواریخ یا تاریخ حیدری، تاریخی عمومی و تألیفی نامنظم است از تاریخ ایران و سلاجقه آسیای صغیر و خانات قریم (کریم) و عثمانیان و شاهان مسلمان هند. این اثر شامل پنج باب است. این پنج باب جلد اول را تشکیل می‌دهند که در مورد پیامبران، خلفا و پادشاهان است و بایستی جلد دوم در مورد حکیمان و دانشمندان و سرایندگان، باشد. منابع مورد استفاده تاریخ حیدری که خود نیز در مقدمه به آن اشاره کرده، بسیار زیاد است؛ یکی از این منابع، تاریخ الفی تتوی است. در این پژوهش تلاش می‌شود، علاوه بر معرفی نویسنده و نسخه تاریخ حیدری، با روش تطبیقی - تحلیلی، تاریخ‌نگاری و مقایسه دو اثر تاریخ حیدری و تاریخ الفی تتوی انجام شده و وجوه افتراق و اشکالات دو اثر شناسایی و ارائه گردد. دستاورد حاصل از این پژوهش مبین این نکته است که مؤلف تاریخ حیدری بخش عمده کتاب خود را از تاریخ الفی برداشت کرده و تنها وجه تفاوت دو اثر را باید در اهداف تاریخ‌نگارانه این دو مؤلف جستجو کرد.

**واژه‌های کلیدی:** تاریخ حیدری، مقایسه تطبیقی، تاریخ الفی، تاریخ‌نگاری.

**Cite this article:** Malekzadeh, Elham, Hosseini Seddiq, Seyedhossein. (2024). A comparative Comparison of Heydari's History by Hosseini Razi with Tatavi's Alfi History. Journal of Codicology and Manuscript Research (JCMR) (In Persian: Pizhūhish/hā-yi nuskah/shināsī va taṣḥīḥ-i mutūn). Vol-4, Issue-2, 5-21. <https://doi.org/10.22034/crtc.2024.433685.1130>

۱. دانشجوی دکترای تاریخ ایران پس از اسلام، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران. ایران.

۲. نویسنده مسئول) دانشیار تاریخ ایران پس از اسلام، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران. ایران.



## ۱- مقدمه

نگارش تاریخ به خصوص بعد از اسلام، دارای اُفت و خیزهایی بوده، یعنی محورها و مضامین اصلی که یک اثر مکتوب تاریخی بر اساس آن و هماهنگ با دایره نگاه مورخ شکل می‌گرفته، دارای انواع مختلفی بوده است. انواع تاریخ‌نگاری را می‌توان به سیر و مغازی (= جنگ‌ها)، و فتن (= فتنه‌ها) و یا تک‌نگاری دربارهٔ حوادث، فتوح، تواریخ عمومی، تواریخ دودمانی و تک‌نگاری دربارهٔ فرمانروایان، تواریخ محلی، انساب و طبقات، آثار مربوط به وزارت و دیوان‌سالاری، فرهنگ‌نامه‌های تاریخی و تاریخ فرق و مذاهب تقسیم کرد.

اما مراد از روش‌های نگارش تاریخ، صورت نقل و تألیف مواد تاریخی است، یعنی روش روایی، روش ترکیبی و روش تحلیلی؛ میان انواع و شیوه‌های تدوین تاریخی نسبت عام و خاص برقرار است. و روش‌های نگارش تاریخ با همهٔ این‌ها سازگار می‌نماید، چنان‌که مثلاً کتاب تاریخ الکامل ابن‌اثیر، هرچند که تاریخی عمومی است، ولی بیشتر تمرکزش بر سلسلهٔ اتابکان آل‌زنکی (یعنی رویدادهای تاریخی سدهٔ هفتم هجری) قرار گرفته، و درعین حال سال‌شمارانه است که به روش ترکیبی نگاشته شده است؛ یا تجارب الامم ابوعلی مسکویه تاریخی عمومی، سال‌شمارانه و مبتنی بر روش ترکیبی - تحلیلی است. روش کلی نگارش یک اثر فرهنگ‌نامه‌ای اگرچه سال‌شمارانه نیست، ولی آنچه ذیل نام کسان، یا ذیل عنوان حوادث، یا ذیل نام مکان می‌آید، نیز می‌تواند برحسب زمان تنظیم شود. شیوهٔ تنظیم سال‌شمارانه، رایج‌ترین شیوهٔ تدوین تاریخی به شمار می‌رود. در این شیوه، تسلسل زمانی میان حوادث حفظ می‌شود، اگرچه یکپارچگی موضوعی ممکن است دچار اختلال شود، زیرا چنان‌که ابن‌اثیر هم متوجه بوده، اجزاء یک حادثهٔ تاریخی و نتایج آن که فرایندی طولانی را طی کرده است، ذیل ماه‌ها و سنوات مختلف و گاه دور از هم درج می‌شوند و پیوند موضوعی گسیخته می‌گردد. به همین سبب، ابن‌اثیر برای احتراز از این اختلال، وقایعی را که ذیل ماه‌ها و سال‌های پراکنده و طولانی یاد کرده، غالباً در یکجا هم به مناسبت مقام، تصویری کلی از آن ارائه داده است تا انسجام موضوع از بین نرود. به علاوه، وقتی اجزاء یک حادثه در مواضع مختلف ذکر گردد، به‌دشواری می‌توان آن‌را تحلیل کرد و تصویری دقیق از نتایج سیاسی و فرهنگی و اجتماعی آن عرضه داشت. برخی از محققان این شیوه را از اختصاصات مورخان ادیب دانسته‌اند، یعنی مورخانی که اثر تاریخی ایشان از ارزش‌های ادبی برخوردار بوده به عنوان مثال تاریخ بیهقی در گنجینه ادبیات نیز می‌گنجند. افزون بر آن، تعیین جای حوادثی که تاریخ حدوث آن‌ها به‌درستی معلوم نیست، در تواریخ سال‌شمارانه دشوار است؛ به همین دلیل، برخی از مورخان چنین حوادثی را ذیل «زمانی» که خود آن‌را درست‌تر می‌دانستند و در بقیهٔ سنوات مورد اختلاف، به اشاره‌ای یا فقط ذکر نظر مخالف دربارهٔ حدوث واقعه بسنده می‌کرده‌اند. دو اثر تاریخ حیدری و تاریخ الفی نیز یکی از همین تاریخ‌هاست که با روش سال‌شمارانه به نگارش تاریخ اقدام کرده است. در مورد هر واقعه در زیر سال مربوط، به شرح آن واقعه پرداخته‌اند.

مطالب مربوط به تاریخ در منابع گوناگون تغییری نمی‌کنند آنچه باعث تفاوت منابع می‌شوند و آنها را از یکدیگر جدا می‌کنند، پرداختن به جزئیات و مطالب مفصل‌تر بعضی منابع نسبت به سایر منابع است؛ اما در برخی منابع همان مطالب را به صورت کلی و گذرا بیان می‌کنند. تاریخ الفی از جمله منابع مفصلی است که در مقابل تاریخ حیدری، بسیار کلی به مسائل و رویدادهای تاریخی پرداخته است.



## ۱-۱- بیان مسئله

به رغم تلاش‌هایی که تاکنون در عرصه تصحیح و شناساندن متون کهن انجام یافته‌است، همچنان آثار ارزشمند بسیاری، یا در گمنامی باقی مانده یا آن‌گونه که باید، شناسانده نشده‌اند. یکی از این آثار گران‌سنگ دوره صفوی، تاریخ حیدری، است که در پژوهش حاضر برای شناخت این اثر به مقایسه و تطبیق آن با یکی از آثار هم‌عرض که در زمره منابع اصلی مورد استفاده او نیز بود، پرداخته می‌شود.

## ۱-۲- پیشینه پژوهش

این اثر، دارای پیشینه خاص، قابل رجوع و مشاهده نیست. صرفاً بسیاری از پژوهشگران از نسخه خطی این اثر استفاده و به اهمیت آن اشاره داشته‌اند، از جمله در تاریخ بخارا اثر محمد نرشخی چاپ شارل شفر (۱۸۹۲م)، ص ii، ترکستان نامه اثر بارتولد (۱۳۶۶)، ج ۱، ص ۱۰۵، برگل، مقاله‌ای از اسماعیل خان افشار، مجله مهر (خرداد ۱۳۱۳)، ص ۲۹، تاریخ افغانستان اثر عبدالحی حبیبی (۱۳۴۸)، ج ۱، ص ۸۵، نظام ایالات در دوره صفویه اثر کلاوس میسائل ژهربرن (ش ۲۵۳۷)، صفحات متعدد، تاریخ تذکره‌های فارسی اثر گلچین معانی (۱۳۶۳)، ج ۲، ص ۷۷۲، تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند از گروه مؤلفان، لاهور (۱۹۷۱م)، ج ۴، ص ۵۱۶، تاریخ ادبیات ایران اثر ذبیح الله صفا (۱۳۷۸)، ج ۵، ص ۱۷۲۵، شاه اسماعیل صفوی اثر والتر هینتس (۱۳۷۱)، صفحات متعدد، به نسخه حاضر اشاره کرده‌اند.

## ۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

با توجه به اهمیت دوران صفویه و وقایع تأثیرگذاری که در این برهه حادث شده و در تاریخ ایران نقش مهمی ایفا کرده است، شناسایی و استفاده از منابع ناشناخته، منتشر نشده و ارزشمندی که تاکنون به چاپ نرسیده‌اند، جایگاه ویژه‌ای دارند. ذیل این منابع باید از نسخه خطی تاریخ حیدری یاد کرد که حداقل بخش مرتبط با دوران صفویه، تاکنون تصحیح و منتشر نشده است. از این رو، تحقیق حاضر، ضمن نمایاندن وجوه ارزشمند داده‌های تاریخی این نسخه، بر آن است در قالب یک پژوهش تطبیقی، نسخه مذکور را با تاریخ الفی تتوی مقایسه کرده و موارد شباهت، تفاوت و کاستی‌های آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

## ۲- معرفی میرحیدر بن علی بن محمود حسینی رازی

میرحیدر بن علی بن محمود حسینی رازی، از مؤلفان و مورخان نیمه اول سده یازدهم هجری است. پدرش نیز ظاهراً نویسنده بوده و کتاب «بزم آرای» اثر اوست. با وجود کنکاش، جستجو و تحقیق در منابع تاریخی، تذکره‌ها و تاریخ‌های محلی، از زندگی نویسنده، اطلاعات چندانی به دست نیامد، مگر همین نکاتی که در اثر خود، آورده است. بنابر آنچه در کتاب آمده در ۱۰۱۵ق. / ۱۶۰۶م. به سیستان نزد ملک جلال‌الدین محمود سیستانی رفته و مدت سه سال در آنجا بسر برده و از مندرجات کتاب چنین مستفاد می‌شود که در زمان تألیف قسمتی از این اثر، در هندوستان سکونت داشته است. مؤلف در آغاز نسخه، به سی و پنج سالگی خود اشاره کرده و گفته است که از بدایت حال تا آن وقت که سال ۱۰۲۸ق. / ۱۶۱۸م. بوده، اکثر اوقات به مطالعه‌ی تواریخ صرف نمود و در سال ۱۰۲۰ق. / ۱۶۱۱م. شروع به تألیف کتاب کرد



و به سال ۱۰۲۸ ق. جلد اول آن را به پایان برد و چون در این سال سی و پنج ساله بوده، پس ولادتش می‌تواند، حدود سال ۹۹۳ ق. / ۱۵۸۵ م. باشد.

## ۲-۱ - معرفی مختصر کتاب

کتاب مجمع التواریخ یا زبدة التواریخ یا تاریخ حیدری، تاریخی عمومی و تألیفی نامنظم از تاریخ ایران و سلاجقه آسیای صغیر و خاندان قریم (قریم) و عثمانیان و شاهان مسلمان هند است. این اثر در پنج باب که شامل ۱- جهان عرب ۲- جهان ایران ۳- آسیای میانه و خاوری ۴- باختر ۵- هند می‌باشد. اسماعیل خان افشار آورده، حیدر رازی کاری جز این نکرده که هر سه جلد تاریخ الفی را رونویسی کرده، همچنانکه پدرش لباب‌الالباب عوفی را استنساخ و به نام «بزم آرا» منتشر کرده است. حسینی رازی کتاب خود را به دو مجلد تقسیم کرده است: جلد اول در احوال ابناء و خلفا و سلاطین و مجلد ثانی در احوال حکما و علما و شعرا. همچنین او نوشته که در کتابش «اکثر نقل‌ها به عبارت مصنفان است و عبارت کمینه [مقصود خود اوست] بسیار کم است، و بنای این بر چند تاریخ معتبر است» و آنگاه پنج کتاب (جامع التواریخ رشیدی، تاریخ حافظ ابرو، روضه الصفا، حبیب السیر و تاریخ الفی) را به عنوان مأخذهای اصلی و بیست و شش کتاب را به عنوان باقی مأخذ خود ذکر کرده و گفته است: «به غیر از تواریخی که مذکور شد، چند تاریخ دیگر هست که تعداد اسامی آنها موجب طول کلام است» و در آخر همین مقدمه ادعا کرده که «قریب به بیست سال از اوقات شریف خود را روز و شب صرف این کتاب نموده» و بدین تقدیر کار خود را از پانزده سالگی آغاز کرده است. صاحب تاریخ حیدری، در هریک از باب‌های جلد یکم به رویدادهای سیاسی به ترتیب زمانی پرداخته و بارها رشته رویدادها را تا زمان خود کشانده است. از این رو در این جلد (یعنی نخستین) گاهی اطلاعاتی به دست داده است که در منابع دیگر یافت نمی‌شود. ارزش این جلد عمدتاً در اطلاعاتی است که درباره رویدادهای سیاسی آسیای میانه است.

## ۳- اهداف نگارش تاریخ حیدری و الفی

حسینی رازی در مقدمه نسخه، هدف خویش از تألیف تاریخ حیدری را این چنین بیان می‌کند: «اما بعد پوشیده نماند که کمینه خاکسار حیدر بن علی حسینی رازی از بدایت حال تا امروز که سی و پنج مرحله از وادی عمر طی نموده، اکثر اوقات را به مطالعه تواریخ صرف نموده و به قدر مقدور در تحقیق حکایات کوشیده، در سال هزار و بیستم هجری در خاطر خطور کرد که چون نقل بسیار به نظر درآورده و کتب تواریخ بی‌نهایت جمع شده، اگر کتابی تألیف شود، بد نخواهد بود. بنابر این شروع در تألیف این تاریخ نمود و در این سال که هزار و بیست و ششم هجریست مجلد اول که احوال انبیاء خلفا و سلاطین است و از دویست هزار بیت متجاوز فی الجملة صورتی یافته و اگر حق سبحانه تعالی توفیق اتمام احوال حکما و علما و شعرا و غیره است، کرامت کند از این بیشتر خواهد شد.» نویسنده گویا سعی خود را بر نگارش تاریخی درست و بی‌پیرایه قرار داده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در هر کدام از منابع و آثار هم‌عرض، بسیار با پرگویی و مجامله (= چرب زبانی و تملق‌گویی) به گزارش تاریخ پرداخته شده است که از این موضوع در این اثر نشانی نیست.

بانی تألیف کتاب تاریخ تتوی، جلال‌الدین محمد اکبر شاه (۹۶۳ - ۱۰۱۴ ق.) بود که در حدود ۹۹۳ ق. به گروهی از دانشمندان شیعه و سنی برای تألیف آن، بر مبنای سال وفات حضرت رسول (ص) و نه از زمان هجرت که مؤرخان پیشین بر



آن مبنا تاریخ می‌نوشتند، فرمان داد. اگرچه ده تن در نوشتن این اثر مشارکت داشتند اما بی‌گمان سهم عمده از آن ملا احمد قاضی است. به نظر می‌رسد هدف اکبر شاه فقط تاریخ‌نگاری نبوده که با انجام دادن کارها پاره‌ای از نیات خود را عملی سازد؛ بنابراین نخستین کار او تألیف تاریخ دورانی بوده است که از نظر او رو به پایان است. و هدف دیگر او ماندگار ساختن خود در میان سایر سلاطین بوده است.

#### ۴- منابع مورد استفاده صاحب تاریخ حیدری

منابع مورد استناد نویسنده تاریخ حیدری، را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم کرد، دسته اول: منابعی که در بخش‌های ابتدایی این اثر استفاده شده که خود نویسنده به برخی از آثاری که به طور مشخص منبع کار قرار گرفته بوده، اشاره کرده است. بخش دوم نیز منابع فرعی تاریخی مورد استفاده و بعضاً بهره‌برداری مؤلف تاریخ حیدری قرار گرفته است.

۴-۱- منابعی که در بخش‌های ابتدایی تاریخ حیدری مورد استفاده قرار گرفته و خود نیز به آنها اشاره کرده است:

۱. تاریخ آلفی، تألیف ملا محمد سندی است. این اثر مهمترین اثری است که بیشترین تأثیر را بر نثر، مطالب و مستندات تاریخ حیدری داشته است و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. تاریخ حافظ ابرو، تألیف شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله بهدادینی خوافی معروف به حافظ ابرو، (وف ۸۳۴/۸۳۳ ق. ۱۴۲۹/۱۴۳۰ م.) است.

۳. روضه‌الصفا فی سیره‌الانبياء و الاولياء و الخلفاء، تألیف میرخواند، محمد بن امیر برهان‌الدین خاوندشاه (۸۳۸-۹۰۳ ق.)، از مورخان بزرگ عهد تیموری و از رجال آن دوره است. مشتمل بر وقایع عمومی عالم از بدو خلقت تا زمان خود مؤلف. تاریخ او قسمتی ترجمه از تاریخ‌های عربی و قسمتی اقتباس از تواریخ خاصه فارسی و حتی نقل به عبارت از جامع التواریخ رشیدی و ظفرنامه شرف‌الدین علی با اندکی اصلاح است. میرخواند طرح این کتاب را در هفت جلد افکنده بود، با شروع جلد هفتم شدت بیماریش مانع پیشرفتش شد و از این رو نواده او غیاث‌الدین خواندمیر، مؤلف حبیب‌السیر، این کتاب را به اتمام رسانید و حوادث عهد تیموری را تا ۹۲۹ ق. ۱۵۲۲ م. به آن افزود.

۴. تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار الافراد البشر، تألیف خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین محمد بن جلال‌الدین محمد بن برهان‌الدین محمد حسینی شیرازی هروی (۸۸۱/۸۸۰ - ۹۳۷-۹۴۲ ق. / ۱۴۷۵-۱۴۷۶-۱۵۳۰-۱۵۳۵ م.)، است که در وقایع عمومی از خلقت تا ۹۳۰ ق. ۱۵۲۳ م. است، در سه جزء و یک مقدمه و یک خاتمه. مؤلف این کتاب را در اوایل ۹۲۷ ق. ۱۵۲۰ م. برای غیاث‌الدین محمد بن یوسف حسینی، از رجال معروف هرات آغاز کرد، ولی مدتی آشفتگی در اوضاع روزگار به وجود آمد در تألیف وقفه افتاد. بعدها به دستور حبیب‌الله ساوجی، وزیر خراسان، آنرا به نام وی به پایان رسانید.

۵. جامع التواریخ / تاریخ رشیدی، تألیف خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۵-۷۱۷ ق. / ۱۲۴۷-۱۳۱۸ م.)، که در ۷۱۰ ق. ۱۳۱۰ م. تألیف شده است.

۴-۲- همچنین سایر منابع فرعی تاریخی فصل‌های پیشین این اثر که نویسنده مورد استفاده قرار داده، بدین ترتیب



است:

۱. تاریخ طبری / تاریخ الرسل و الملوك یا تاریخ الامم والملوك، تألیف طبری، ۲. الفتوح، تألیف أبو محمد أحمد بن أعثم الكوفي الكندی (وف ۳۱۴ ق. / ۹۲۶ م.)، ۳. فرج بعد از شدت / جامع الحكایات، ۴. مروج الذهب و معادن الجوهر یا تاریخ مسعودی (۲۸۰-۳۴۵ ق. / ۳۴۶-۸۹۳ م.)، تألیف ابوالحسن علی بن حسین مسعودی ۵. ترجمه تاریخ یمینی / تاریخ عتبی، تألیف ابوالشرف ناصح بن ظفر بن سعد منشی جرفادقانی (زنده ۶۰۳ ق. / ۱۲۰۶ م.)، ۶. كشف الغمّه في معرفه الاثمه، تألیف ابوالحسن بهاء‌الدین علی بن عیسی فخرالدین بن هندی الشیبانی الإربلی (وف ۶۹۳ ق. / ۱۲۹۳ م.)، ۷. جوامع الحكایات و لوامع الروایات، تألیف نورالدین / سدیدالدین محمد عوفی، فرزند محمد بخاری. (زنده ۶۳۰ ق. / ۱۲۳۲ م.)، ۸. تاریخ گزیده، تألیف حمدالله بن ابی بکر بن احمد مستوفی قزوینی (۶۸۰-۷۵۰ ق. / ۱۲۸۱-۱۳۴۹ م.)، ۹. سیر الملوك / سیاست‌نامه / تألیف خواجه نظام‌الملک، قوام‌الدین ابوعلی حسن بن ابوالحسن علی (۴۰۸ / ۴۱۰-مقتول ۴۸۵ ق. / ۱۰۱۷ / ۱۰۱۹-۱۰۹۲ م.)، ۱۰. وصایای خواجه نظام‌الملک طوسی، قوام‌الدین ابوعلی حسن بن ابوالحسن علی (۴۰۸ / ۴۱۰-مقتول ۴۸۵ ق. / ۱۰۱۷ / ۱۰۱۹-۱۰۹۲ م.)، ۱۱. طبقات ناصری (تاریخ ایران و اسلام)، تألیف ابو عمرو عثمان بن سراج‌الدین جوزجانی، معروف به قاضی منهج سراج جرجانی (تو ۵۹۰-۶۰۰ ق. / ۱۱۹۳-۱۲۰۳ م.)، ۱۲. تاریخ و صاف، شهاب‌الدین / شرف‌الدین عبدالله بن فضل‌الله شیرازی (ح ۶۶۳-۷۱۹ / ۷۳۰ ق. / ۱۲۶۳-۱۳۱۹ / ۱۳۲۹ م.)، ۱۳. تاریخ بناکتی / روضة اولی الالباب فی معرفة التواريخ و الانساب، تألیف ابوالفضل محمد بن محمد بن داود بناکتی (وف ۷۳۰ ق. / ۱۳۲۹ م.)، ۱۴. ظفرنامه، اثر شرف‌الدین علی یزدی (وف ۸۵۸ ق. / ۱۴۵۴ م.)، ۱۵. تاریخ جهانگشای جوینی، خواجه علاء‌الدین عطاملک جوینی (۶۲۳-۶۷۱ ق. / ۱۲۲۶-۱۲۷۲ م.)، ۱۶. مطلع السعدین و مجمع البحرين، تألیف ملاکمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی (۸۱۶ ق. - ۸۸۷ ق.)، ۱۷. معارج النبوه فی مدارج الفتوه، تألیف معین‌الدین واعظ فراهی، ملا محمد، فرزند ملا شرف‌الدین محمد. (وف ۹۰۷ ق. / ۱۵۰۱ م.)، ۱۸. روضة الاحباب (فی سیره‌النبي وآل و الاصحاب)، تألیف میرجمال‌الدین عطاء‌الله بن فضل‌الله حسینی، ۱۹. تاریخ سند / تاریخ معصومی، تألیف امیرمحمد معصوم بکری (۹۴۴-۱۰۱۹ ق. / ۱۵۳۷-۱۶۱۰ م.)، ۲۰. خلاصه‌الاجبار فی بیان احوال اخبار، تألیف خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین محمد بن جلال‌الدین محمد بن برهان‌الدین محمد حسینی شیرازی هروی (۸۸۱ / ۸۸۰ - ۹۳۷-۹۴۲ ق.)، ۲۱. تاریخ فیروزشاهی، تألیف ضیاء‌الدین بن مؤیدالدین بزنی (تو ۶۸۴ ق.)، ۲۲. تاریخ بهادرشاهی / بهادر شاه‌نامه / واقعات عالمگیری (نسخه خطی)، تألیف نورالدین محمد شیرازی نعمت‌خان عالی (وف ۱۱۲۱ ق. / ۱۷۰۹ م.)، ۲۳. حدیقه السلاطین قطب‌شاهی یا تاریخ نظام‌الدین احمد، تألیف میرزا نظام‌الدین احمد بن عبدالله صاعدی، ۲۴. وفيات الأعیان و أبناء الزمان مما تبت بالنقل و السماع و أثبتته العیان یا تاریخ ابن خلکان، اثر شمس‌الدین ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن ابی بکر بن خلکان، که مشهور هم به ابن خلکان (۶۰۸-۶۸۱ ق. / ۱۲۱۰-۱۲۸۲ م.)، ۲۵. الكامل فی التاريخ، تألیف ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی جزری مشهور به عزالدین ابن اثیر (۵۵۵-۶۳۰ ق. / ۱۱۶۰-۱۲۳۲ م.)، ۲۶. تاریخ بیهقی، تألیف خواجه ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی (۳۸۵-۴۷۰ ق. / ۹۹۵-۱۰۷۷ م.)

صاحب تاریخ حیدری چنین آورده است: «به غیر از تواریخی که مذکور شد چند تاریخ دیگر نیز هست که تعداد اسامی



آنها موجب طول کلامست».

«در این کتاب اکثر احوال ملوک مصر و شام و هندوستان از تاریخ الفی مرقوم گشت و احوال ملوک ترکستان و ماوراء النهر و ختای و فرنگ و روم از جامع رشیدی نقل شده، احوال انبیا و ملوک عرب و عجم از روضه الصفا و حبیب السیر رقم زده کِلک بیان گردید و از باقی کتبی که اسامی آنها ذکر شد نیز نقل بسیار آورده شد و در هر نقلی که مؤرخان در آن خلاف کرده‌اند نام صاحب آن نقل را مذکور ساخت تا بر مؤلف اغراض نمایند.»

### ۵- معرفی تاریخ الفی

تاریخ الفی کتابی مهم در تاریخ عمومی هزار ساله سرزمین‌های اسلامی به فارسی است. براساس گزارش عبدالقادر بداؤنی در منتخب التواریخ، اکبرشاه پادشاه بابر هند (۹۹۰ هـ) گروهی از دانشمندان و مؤرخان را مأمور کرد که کتابی در تاریخ عمومی جهان اسلام از رحلت پیامبر اکرم (ص) تا پایان هزاره اول هجرت تألیف کنند.

نگارش این کتاب در ۹۹۳ هـ. شروع شد و پس از پایان تألیف، آن را "تاریخ الفی" نامیدند. اکبرشاه در آغاز، هفت تن را به نگارش تاریخ الفی مأمور کرد. اعضای این هیئت از شخصیت‌های علمی و سیاسی، عصر خود محسوب می‌شدند و برخی از آنان از ایران به هند مهاجرت کرده بودند و از پیروان مذاهب مختلف اسلامی بودند. در هفته اول نگارش حوادث تاریخی تا سال ۳۵ از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آماده شده و مؤلفان درباره این بخش در حضور اکبرشاه بحث کردند. بیشترین بحث و انتقاد آنان درباره ذکر وقایع قتل عثمان بود که با انگیزه‌های ضد شیعی نوشته شده بود. سرانجام مؤلفان دست از کار کشیدند و تألیف بقیه کتاب به احمد بن نصرالله تتوی محول شد.

چون بیشترین قسمت تاریخ الفی را تتوی تنظیم کرده، معمولاً او را مؤلف این اثر می‌دانند. تتوی حوادث تاریخی را از سال ۳۶ تا زمان چنگیزخان در دو مجلد تألیف کرده است هرچند که نتوانست تاریخ الفی را به انجام برساند. چراکه میرزا فولاد برلاس او را در ۹۹۶ در لاهور به قتل رساند. پس از تتوی نگارش اثر به آصف خان قزوینی محول شد. آصف خان حوادث تاریخی را تا ۹۹۷ به تفصیل ثبت کرد. سرانجام در سال ۱۰۰۰ کار مقابله و تصحیح این اثر به عهده عبدالقادر بداؤنی نهاده شد. او در طی یک سال، دو مجلد اول را تصحیح نمود و تصحیح مجلد سوم را به آصف خان واگذار کرد.

این اثر را می‌توان جامع‌ترین تاریخ عمومی به زبان فارسی دانست که به روش سال‌شمار درباره تاریخ سرزمین‌های اسلامی همچون شبه جزیره عربستان، ایران، شبه قاره هند، آسیای صغیر، آفریقای شمالی، ماوراءالنهر و دیگر مناطق مسلمان‌نشین تألیف شده و از نظر نقل روایات مختلف درباره وقایع و موضوعات گوناگون از مفصل‌ترین مآخذ دوره هزار ساله تاریخ ملت‌ها و دولت‌های اسلامی است.

### ۶- مقایسه تطبیقی تاریخ حیدری و الفی

#### الف) زمان‌مندی گزارش وقایع و حوادث تاریخی

حسینی رازی در این اثر مانند سایر تاریخ‌نگاران پیشین، همچون مؤلفان تاریخ الفی و تاریخ الکامل و...، با ذکر سال به بیان وقایع اتفاق افتاده در آن سال پرداخته و نگارش تاریخ خود را انجام داده است، و در این مورد حرکتی نو و شکلی جدید



را ارائه نکرده است. در عین آنکه سعی در گزارش صحیح‌ترین روایت‌ها و گزیده داشته، نمی‌توان آن را اثری انتقادی، تشریحی و توصیفی برشمرد. وی در این اثر به شدت از تاریخ الفی متأثر است که با بررسی برخی موارد می‌توان به نزدیکی متن این دو اثر پی برد.

سادگی در بیان و کوتاهی جملات و دوری از تفصیل وقایع تاریخ حیدری از ویژگی‌های تاریخ الفی هم محسوب می‌شود اگرچه این اثر بسیاری از وقایع را مفصل‌تر گزارش کرده است، به عنوان مثال بیان سلطنت الوند میرزا در تاریخ الفی و تاریخ حیدری به صراحت و عدم دقت به موارد دیگر تا جایی است که گاهی حتی شرحی بر ساده‌ترین موارد را نیز نمی‌دهند و گویا لازم نمی‌دانند:

تاریخ حیدری (۲۸): «الوند میرزا را به تبریز آورده، پادشاه ساخت / و چون الوند بیگ پادشاه جمعی از امرای عراق و عجم محمدی میرزا بن یوسف بیگ بن حسن بیگ را در عراق پادشاه کردند و اصفهان را متصرف شدند و به فارس رفته، / قاسم بیگ را شکست دادند / و قاسم بیگ به قلعه اصطخر پناه برده، عراقیان شهر شیراز را گرفته، / به عراق معاودت نمودند / و الوند بیگ و آیه سلطان متوجه عراق شدند / و محمدی بیگ طاقت نیاورده، به قلعه استا نزد حسن جلای رفت / و الوند بیگ در قم قشلاق کرد / و جمعی از امرا را فرستاده که محمدی میرزا را دفع نمایند / و محمدی میرزا در اواخر زمستان به اتفاق حاکم قلعه استا شبیخون بر امرا آورد / و ایشان را شکست داد.»

تاریخ الفی (۸ / ۵۴۷۶): «الوند بیگ را به تبریز آورده و پادشاه ساخت / و محمدی میرزا بن یوسف بیگ بن حسن بیگ را جمعی در عراق پادشاه کردند و اصفهان را متصرف شدند / و به فارس رفته، / قاسم بیگ را شکست دادند / و قاسم بیگ به قلعه استخر پناه برد. / و عراقیان شهر شیراز را گرفته، / به عراق معاودت کردند. / ... و محمدی میرزا در اواخر زمستان به اتفاق حاکم قلعه، شبیخون بر امرا آورد و ایشان را شکست داد.»

باتوجه علامت‌هایی که در متن گذاشته‌ام، می‌توان شکلی را که متن از این نوع گزارش تاریخ پیدا کرده را مشاهده کرد، یعنی جملاتی کوتاه، ساده و بدون شرح و بسط دیده می‌شود.

برای نشان دادن نوع پرداخت به موضوع و نیز شباهت بسیار زیاد، به شکل مقایسه‌ای از تاریخ حیدری و تاریخ الفی، نمونه‌های بیان می‌شود تا موضوع بیشتر نمایان شود:

تاریخ حیدری (۶۶): «و در سال نهصد و هفتاد و چهارم هجرت چون بعد از فوت قراق منصب آتالیقی شاهزاده سلطان محمد میرزا برشاه قلی سلطان یکان استاجلو قرار گرفت.»

تاریخ الفی (۸ / ۵۸۲۱): «و آنچه در این سال (۹۷۴ق.) در ایران سانح شد، این است که چون بعد از فوت قزاق منصب آتالیقی شاهزاده سلطان محمد میرزا بر شاه‌قلی سلطان استاجلو قرار گرفت.»

تاریخ حیدری (۶۶): «و شاهزاده به عزم ملاقات پدر به قزوین آمد و چندگاه آنجا بسر برد. چنانکه مذکور شده، در این سال به فرمان شاهی متوجه هرات گشت و اهل و عیال و فرزندانیش نیز همراه بودند.»



تاریخ الفی (۸ / ۵۸۲۱): «شاهزاده به عزم ملاقات پدر خود به قزوین رفت و چندگاه آنجا بسر برد. و در این سال به فرمان شاهی متوجه هرات گشت و اهل و عیال و فرزندان نیز همراه برد.»

تاریخ حیدری (۶۶): «چون به نواحی قلعه تربت رسید به حسب اتفاق عبدالله وکد اسکندر خان اوزبک که بعد از شکست اولاد بُراغخان و قتل برهان، بر سمرقند و اکثر ماوراءالنهر مستولی شده بود و با خسرو سلطان و دیگر سلاطین شیبانی به مملکت خراسان درآمد.»

تاریخ الفی (۸ / ۵۸۲۱): «چون به نواحی قلعه تربت رسید به حسب اتفاق عبد الله خان، ولد اسکندر خان اوزبک که بعد از شکست اولاد براق خان و قتل برهان، بر سمرقند و بخارا و اکثر ماوراءالنهر مستولی شده بود با خسرو سلطان و دیگر سلاطین شیبانی به مملکت خراسان درآمد.»

تاریخ حیدری (۶۷): «و خبر یافت که شاهزاده ایران با هزار و پانصد سوار متوجه هرات است. با سی چهل هزار سوار ایلغار نموده، به لشکر شاهزاده نزدیک رسید. و شاهوردی بیگ برادر شاه قلی خان یکان که در رکاب شاهزاده بود چون از قُرب وصول دشمن آگاه شد، ناچار به قلعه تربت که چهار دیواری ویران است درآمد.»

تاریخ الفی (۸ / ۵۸۲۱): «و اطلاع یافت که شاهزاده ایران با هزار و پانصد سوار متوجه هرات است. با سی چهل هزار سوار ایلغار نموده به لشکرگاه شاهزاده نزدیک رسید. و شاهوردی بیگ یکان / یکان، برادر شاهقلی بیگ تکان که در رکاب شاهزاده بود، چون از قرب وصول دشمن آگاه شد، ناچار به قلعه تربت - که چهاردیواری ویران بیش نیست - درآمد.»

تاریخ حیدری (۶۷): «و عبدالله خان به پای قلعه درآمد، به محاصره مشغول گشت. و قزلباشان از باد صبا سرعت استعارت کرده، این خبر را به شاه طهماسب رسانیدند. و چون مسافت بسیار از تربت تا قزوین در میان است و حصار تربت را نگاه داشتن در برابر سی چهل هزار چندان که کمک عراق برسد ممکن نبود.»

تاریخ الفی (۸ / ۵۸۲۱): «و عبد الله خان به پای قلعه آمده به محاصره مشغول شد. و قزلباشان از باد صبا سرعت سیر استعاره کرده این خبر را به شاه طهماسب رسانیدند. و چون مسافت بسیار از قزوین تا تربت در میان است و حصار تربت را نگاه داشتن در برابر سی چهل هزار سوار جرار چندانکه کمک عراق برسد، ممکن نبود.»

تاریخ حیدری (۶۷): «هیجده کس از امیر زاده‌ها که فی الواقع هر یک ثانی رستم و ثالث اسفندیار بودند از جای خود برخاسته قبول این خدمت کردند و به تعجیل هر چه تمامتر با فرامین متوجه خراسان شدند اما نزد عقلا قبول این خدمت محمول بر جنون شد. و چون آن جوانان مردانه به حوالی قلعه تربت رسیدند با یکدیگر در مقام مشورت شدند.»

تاریخ الفی (۸ / ۵۸۲۱): «هجده کس از امرزاده‌ها که فی الواقع هر یک ثانی رستم و ثالث اسفندیار بودند، از جای خود برخاسته قبول این خدمت نمودند و به تعجیل هر چه تمامتر با فرامین متوجه خراسان شدند. اما نزد عقلا قبول این خدمت محمول بر جنون شده اما آن جوانان مردانه چون به حوالی قلعه تربت رسیدند با یکدیگر در مقام مشورت شدند.»

همانطور که مشاهده شد، درصد بالایی از متن به شکلی است که گویی از روی تاریخ الفی نگاشته شده است، برخی



مطالب به صورت مقدم و مؤخر نوشته شده و برخی از افعال و کلمات جملات تغییر کرده‌اند. ولی اختلافاتی چند نیز به چشم می‌خورد، به طور مثال در واقعه محاصره قلعه تربت صاحب تاریخ الفی آورده که خود و جدش در آن مجلس حضور داشته است و به عنوان شاهد اتفاق از آن یاد می‌کند، که تاریخ حیدری دستش از بیان این موضوع خالیست؛ ولی در ادامه تاریخ الفی تنها به محقر بودن قلعه اشاره می‌کند، ولی تاریخ حیدری توضیحاتی را به متن اضافه می‌کند:

تاریخ حیدری (۶۷): «و مردم متحیر بودند که چگونه کسی به آن قلعه خواهد درآمد. چه حصار تربت به غایت محقر است و سی چهل هزار سوار آن قلعه را در میان گرفته‌اند به نوعی که پنج شش صف بر عقب یکدیگر آراسته شده، اما شاه روی به امرا و لشکریان آورد که چند جوان مردانه از سر گذشته می‌خواهم که متعهد این خدمت شده، به آن قلعه درآیند و حقی بر سلسله شیخ صفی به تازگی ثابت کنند.»

تاریخ الفی (۸ / ۵۸۲۱): «راقم حروف با والد و جد که از حضار مجلس بودند، متحیر بودند که چگونه کسی به آن قلعه خواهد درآمد؛ چه، حصار تربت به غایت محقر است. و شاه طهماسب روی به امرا و لشکریان آورد که «چند جوان از سرگذشته می‌خواهم که متعهد این خدمت شده به آن قلعه درآیند و حقی بر سلسله شیخ صفی ثابت کنند.»

تاریخ حیدری باتوجه به اینکه صراحت و سادگی را سرلوحه کار خود قرار داده است، به برخی از جنایات و ظلم‌های شاه اسماعیل اشاره می‌کند که در تاریخ الفی نیز قابل مشاهده است در حالی که در سایر منابع مشابه از بیان این موارد چشم‌پوشی کرده‌اند، برخی از آنها ذکر می‌شود:

«و اکثر مردم از ترک و تاجیک هراسان شده عازم قلعه گشتند و شاه اسمعیل به آهستگی متوجه قزوین گشت و بعد از مدت مدید، به ظاهر قزوین نزول نمود. و قریب پنجاه هزار سوار در اندک مدتی نزد او جمع شده بود و در هر منزل شاه اسمعیل چندی از قزلباشان را که به سلطان حیدر میرزا اتفاق نموده بودند، به قتل رسانیده کوچ می‌کرد. و روز بروز نومیدی خلایق بسیار می‌شد. چه اکثر اوقات پدر را به قتل پسر و به عکس، برادر را به قتل برادر امر می‌کرد. و آن جماعت بی توقّف و تأخیر فرموده، را به عمل می‌آوردند. و با این اطاعت اصلاً مرّوت نمی‌کرد و هر یک از آن مردم را که به قتل پسر و برادر اقدام نموده بودند، به تقریبی به قتل می‌آوردند. و بدین سبب لشکریان آزرده خاطر گشته، از قتل سلطان حیدر میرزا پشیمان شدند.» (تاریخ حیدری: ۱۰۴)

### ب) جزئی‌نگری و گزیده‌گویی گزارش‌های تاریخی

در مقایسه دو نسخه تاریخ حیدری و تاریخ الفی، می‌توان دریافت که تاریخ حیدری گزیده‌تر از تاریخ الفی نگاشته شده است. پاره‌ای موارد حذف شده در تاریخ حیدری، که منجر به از بین رفتن اطلاعات می‌شدند، به نظر ایجاز مۇخل شمرده می‌شوند. مانند این عبارت:

در تاریخ الفی (۵۳۳۷/۸) آمده: «... و تفصیل این اجمال آنکه چون تمام ممالک عراق عرب و عجم و فارس و آذربایجان و ارمن و گرجستان تا حدود ممالک روم و شام و سواحل دریای عمان به تصرف میرزا جهان‌شاه درآمد...».

تاریخ حیدری (۱۲): «... تفصیل این مجمل آنکه چون تمام ممالک عراق عرب و عجم تا دریای عمان به تصرف میرزا



## جهانشاه قرار گرفت»

همان‌طور که مشاهده می‌شود نام اماکنی همچون: فارس، آذربایجان، ارمن، گرجستان، روم و شام، جافتاده و ذکر نشده‌اند.

تاریخ الفی (۸ / ۵۴۶۷) «و در صحرای مرند هر دو لشکر به هم رسیدند و صف آرایی کرده، سلطان یعقوب، سلیمان بیگ تمر، بهرام بیگ بیرامی و اسکندر بیگ و محمود بیگ را با جمعی دیگر در برانغار تعیین نمود.»

تاریخ حیدری (۱۸): «و در صحرای مرند هر دو لشکر به هم رسیدند و صف‌آرایی کرده، سلطان یعقوب بیگ [و] بهرام بیگ و اسکندر بیگ و محمود بیگ را با جمعی دیگر در برانغار تعیین نموده...»

در برخی موارد تاریخ حیدری جزئیات بیشتری را آورده است از جمله:

تاریخ الفی (۸ / ۵۴۷۲)، «سلطان حیدر در این معرکه کشته شد و فرزندانش را گرفته نزد سلطان یعقوب برد.»

تاریخ حیدری: (۲۳) «... سلطان حیدر در این معرکه کشته شد. و فرزندانش علی میرزا، ابراهیم میرزا و اسمعیل میرزا را گرفته، نزد سلطان یعقوب آوردند. و در قلعه اصطخر فارس محبوس گشتند.»

یکی دیگر از رویدادها دوره شاه اسماعیل صفوی، مقابله با شیبک خان و کشتن اوست که دارای نکات قابل توجهی است. در سال ۹۱۵ ق. ۱۵۰۹ م. شاه اسماعیل برای مبارزه با شیبک خان یا محمد خان شیبانی عازم خراسان شد و در جنگ سختی که بین طرفین درگرفت، شیبک خان کشته شد و با تصرف بلخ و هرات، حدود ایران تا رود جیحون بسط یافت. به آورده دکتر عبدالحسین نوایی: «رفتاری که با کشته محمد خان شیبانی شده یکی از زشت‌ترین وقایعی است که تاریخ زندگی سلاطین مستبد و متعصب، شرح آن را ثبت کرده» (نوایی: ۱۳۷۰؛ ۷۶ و ۷۷) و خلاصه آن به نقل از تاریخ عالم‌آرای عباسی این است: «هر عضوی از اعضای او را به ولایتی فرستادند، سر او را پوست‌کنده و پر گاه کرده به سلطان بایزید بن سلطان محمد غازی پادشاه روم فرستادند، و کاسه سر او را به طلا گرفته به قول مؤلف احسن التواریخ قدح مثال، در بزم حریفان باده نشاط، در گردش بود... دست او را (یعنی شیبک خان را) بریده به یکی از یساولان بهرام صولت داده فرستادند که به مازندران برده در دامان آقا رستم اندازد و بگوید که دست تو به دامن او نرسیده اما حال او دست به دامان تو زده. آن یساول در وقتی که آقا رستم با سرداران طبرستان مجلس عالی داشت به انجمن درآمد، بی‌خوف و هراس به خدمت مرجوعه قیام نمود، فی‌الغور بازگشت. هیچ آفریده را مجال دم زدن نشد آقا رستم از خوف آن پیغام سراسر تهدید، زهره‌اش آب شده دلش از واهمه و بیم قصور یافت، روزبروز ضعف بر بدنش مستولی گشته به عالم عقبی شتافت.» (اسکندر بیگ منشی: ۱۳۷۷؛ ۱ / ۶۵) پس از اینکه این فتح میسر شد و شاه از سر کشتگان مناره‌ها ساخت و غنائیم جنگ را به لشکریان تقسیم نمود، خبر این فتح را به اطراف فرستاد و ملوک و سلاطین را فتحنامه‌ها نوشت. البته برخی دیگر به این شکل که آمده به مرگ شیبک خان با این شدت و خشونت اشاره نکرده‌اند، همچون تاریخ الفی که آورده:

«شیبک خان از غایت اضطراب با پانصد کس در چهار دیواری که راه بیرون شدن نداشت درآمد. و سپاه عراق آن محوطه را احاطه کرده دست به انداختن تیر و سنگ گشودند. و اوزبکان از غایت دهشت و تنگی جا بر زبر یکدیگر افتادند و در زیر



دست و پای اسب و آدمی هلاک می‌شدند. و دلیران ایشان قدم بر فرق مردگان نهاده بر سر دیوار حصار برآمده جنگ می‌کردند. تا آنکه بالتّمام هلاک شدند. و شیبک خان نیز در زیر دست و پا هلاک شد. و بعد از تفحص جسد او را در زیر چند تن یافتند. سرش را به نزد شاه اسماعیل درآوردند. و اکثر سرداران اوزبک گرفتار شده به قتل رسیدند» (تتوی: ۱۳۸۲؛ ۸/ ۵۵۰۶)

### ج) تنوع استفاده از منابع و استنادات تاریخی

در تاریخ حیدری برخلاف سایر منابع، خواسته یا ناخواسته به روایت تاریخ الفی بسنده کرده و چنین آورده است: «و هر دو لشکر به یکدیگر رسیده، داد شجاعت دادند عاقبت لشکر قزلباش ظفر یافت و اوزبکان منهزم شدند. و شیبک خان از غایت اضطراب با پانصد کس در چهاردیواری که راه بیرون شدن نداشت درآمد و سپاه عراق آن محوطه را احاطه نموده، دست به انداختن تیر و سنگ گشودند. و اوزبکان از غایت دهشت و تنگی جا بر زبر یکدیگر می‌افتادند و در زیر دست و پا هلاک می‌شدند و دلیران ایشان قدم بر مردگان نهاده بر سر دیوار حصار آمده، جنگ می‌کردند تا بالتّمام هلاک شدند. و شیبک خان نیز در زیر دست و پا هلاک شد و بعد از تفحص جسد او را در زیر چند تن یافتند و سرش را نزد شاه آوردند. و اکثر سرداران اوزبک گرفتار شده، به قتل رسیدند.» (همین اثر: ۴۳)

چنان که مشهود است، تفصیلی در مطلب دیده نمی‌شود و تقریباً به همان حجم و اندازه تاریخ الفی به آن پرداخته است و هیچ مطلب بیشتری ذکر نشده است.

همچنین نویسنده تاریخ حیدری در بیان برخی از حوادث تلخ و ظلم‌ها کوتاهی کرده است. شاید به این دلیل این موضوع اتفاق افتاده که توجه و روایت اصلی نویسنده از تاریخی الفی شکل گرفته و در آنجا نیز به آن شکلی که سایر کتاب‌ها روایت کرده‌اند، نیامده است اما در برخی موارد دیگر نویسنده اگر موضوعی در دسترس داشته از نگارش آن ابایی و ترسی نداشته، همچون کشتن امیر دباچ که آمده:

«و در سنه اثنی و اربعین و تسع مایه هجرت (۹۴۲) شاه در دارالسلطنت تبریز به عیش و عشرت گذرانید و امیر دُباچ حاکم رشت را که از شیروان گرفته، آورده بودند. در قفس درآورده، به سیاست تمام به قتل آوردند.» (همین اثر: ۵۸)

و همچنین در ماجرای قلعه استا چنین آورده است:

«و به واسطه استحکام حصار، ایام محاصره یک‌ماه امتداد یافت. و در آخر مَمَر آب هبله رود را که به قلعه درمی‌آمد، گردانیدند. و بعد از سه روز از نیافتن آب، حسین بیرون آمد و در قفس آهنینش کردند. او خود را در قفس بکشت و جثّه او سوخته شد و تمام ساکنان استا به قتل رسیدند و قلعه خراب شد. در این یورش قریب به سی هزار کس از مخالفان به قتل آمدند. و در ایام محاصره قلعه استا محمد حسین میرزای پسر سلطان حسین میرزای بایقرا از استرآباد و سلطان حسین برادر کارکیا میرزا علی از لاهیجان به درگاه آمدند.» (همین اثر: ۳۶)

در جایی دیگر چنین آمده است: «و بعد از فتح یزد، شاه به جانب طبس ایلغار نموده قریب به هفت هزار کس از لشکر جغتای و غیره را در آن حدود به قتل آورده، پادشاه خراسان سلطان حسین میرزا و فرزندان مضطرب شدند. اما بعد از یک هفته شاه به ولایت خود مراجعت نموده و زمستان در اصفهان قشلاق کرد و بعضی از اکابر اصفهان به تحریک عبدی بیگ شاملو که حاکم اصفهان بود به قتل رسیدند.» (همین اثر: ۳۷)

و در جایی دیگر: «و به اتفاق سلطان مراد به حدود روم و شام رفت و تمام عراق عرب به تصرف شاه درآمد و بسیاری از



مخالفتان به حکم شاه در بغداد به قتل رسیدند. به نوعی که آب دجله رنگین به نظر در می‌آمد» (همین اثر: ۳۹)

تمامی موارد ذکر شده، نمونه‌هایی بود از اینکه مؤلف تاریخ حیدری، به گزارش تاریخ می‌پردازد و در این میان از ارائه اطلاعاتی که شاید ناخوش آیند و تاجایی بدآیند شاهان و حاکمان بوده و به نوعی مرسوم نیست، پرهیزی نداشته و در کنار گزارش اتفاقات معمول و جنگ، فتوحات و... به گزارش ظلم‌ها، جنایات و قتل و غارت نیز پرداخته است.

یکی از دلایل توجه تاریخ حیدری به تاریخ الفی روایت وقایع و پرداختن به اطلاعاتی است که فقط در این دو اثر یافت می‌شود و در بسیاری از آثار دیگر، کمتر به آنها توجه شده است. به چند نمونه از این دست گزارش و روایت‌ها اشاره می‌شود:

"جریان زلزله کاشان در سال ۹۸۲ ق. / ۱۵۷۴ م. و یا سیل عظیمی در قزوین در سال ۹۶۵ ق. / ۱۵۵۷ م. رخ داده است. «و در این سال در قزوین به وقت تحویل حمل، بارندگی عظیم شده سیلی از کوه آمد. قریب به نصف شهر ویران گشت. و اسباب و املاک بی قیاس ضایع شد اما مردم به سلامت بیرون رفتند. گویند به واسطه صدای آب، سگان شهر از خانه‌ها بیرون رفته بودند اما فرصت نقل و تحویل اسباب و اموال نشد. و در سال نهصد و شصت و ششم هجرت به واسطه ملایمت هوای قزوین بیلاق و قشلاق همان جا اتفاق افتاد.» (همین اثر: ۵۹) با نگاهی به منابع به طور مثال احسن التواریخ چنین آورده است: «در شب دوشنبه بیست و سوم جمادی الاخر سیل به قزوین آمده دروازه ابهر را آب برد. قریب دوهزار خانه را خراب کرد.» (حسن روملو: ۱۳۵۷؛ ۵۱۹)

صاحب تاریخ حیدری و تاریخ الفی، در برخی از وقایع تاریخی، اطلاعات و آمار تاریخی را ارائه نموده‌اند که بسیار بدیع و جالب توجه است، و در دیگر منابع به آنها اشاره نشده است؛ به طور مثال پس از بیان جنگ شاه اسماعیل با قیصر روم در ۹۲۰ ق.، اسامی برخی از بزرگانی که در جنگ کشته شدند را چنین می‌آورند:

«و لشکر شاه اسمعیل [به] نظر [ایشان] به غایت اندک بود. و شاه اسمعیل از کمال شجاعت در این معرکه به نفس خود چند کس از رومیان را بر خاک هلاک انداخت. از آن جمله مَلقوج اَعْلَن که در روم به شجاعت مشهور بود دچار شهریار ایران گشت و شاه شمشیری بر فرقهش فرود آورد که تا سینه شکافته شد. و چون توپ و تفنگ بسیار در لشکر روم بود، بسیاری از اعیان قزلباش در این جنگ کشته شدند؛ میرسیدعبدالباقی / و میر سید محمد کمونه / و محمد خان اُستاجلو / و سارو پیره قورچی باشی خلفا / و حسین بیگ / و سلطان علی میرزا / که محبوب شاه بود و کوسه حمزه قورچی از مقتولان این معرکه اند.» (همین اثر: ۴۷)

یکی دیگر از اطلاعات مفید این نسخه، لیست پیشکشی سلطان عثمانی و شرح لباس‌های وزرا و دیوانیان را چنین ذکر کرده که در دیگر کتب همزمان ارائه نشده است:

«و در سنه سبعین و تسع مایه هجرت (۹۷۰) جعفر بیگ کنگرلو بود که از جانب شاه به روم به ایلچگیری رفته بود با الیاس بیگ حاکم قراجرون ایلچی قیصر به درگاه آمد و تُخف و هدایایی بی قیاس از نقد و جنس که خوندگار فرستاده بود به نظر شاه درآوردند. و از آن جمله صد اسب با زین مرصع و جُلَهای زربفت بود و مخمل و پانصد هزار قروش که چهل و پنج هزار تومان است، نقد آورده بودند. و اَقْمَشه و اَمْتَعه روم و مصر و شام و فرنگ از حساب و شمار بیرون بود، یک لعل به وزن چهارده



مثقال که به دوه گزی مشهور است نیز آورده بودند. در آن روز که ایلچی ملازمت می کرد، نخست در میدان سعادت جمیع لشکر قزلباش با لباس‌های فاخر خود را ترتیب داده صف‌ها آراستند. و در میان میدان صف عالی مرتب ساخته، سایبان‌هایی به‌تکلف بر پای کردند. و شاه با چند کس از مقربان به میان میدان درآمد و معصوم بیگ صفوی وکیل و میرسید شریف شیرازی وزیر و عیسی خان پسر لوند همراه بود. و عیسی خان در آن روز در کمال زینت بود چنان‌که قیمت لباس و زین اسب او از ده هزار تومان زیاده بود. بر تاجش لعلی به غایت گران بها بود چنان‌که شعاع آن از دور به نظر در می‌آمد، تعبیه کرده بودند.» (همین اثر: ۵۰)

### نتیجه

نتیجه حاصل از پژوهش حاضر و بررسی دو نسخه تاریخ حیدری و تاریخ الفی، حاکی از این است که مؤلف تاریخ حیدری سعی خود را بر نگارش تاریخی درست و بی‌پیرایه و بدون حشو و زوائد قرار داده است. مصادیق متعددی از مطالب ارائه شده در جای جای نسخه، علاوه بر نشان دادن باور مؤلف به روایات مذکور، حاکی از این نکته قابل توجه است که روش تاریخ‌نگاری حسینی رازی، بهره‌گیری مستقیم از آثار دیگران است. به عبارتی بهتر اکثر نقل‌هایش به عبارات مصنفان متکی است و عبارات خودش در حداقل قرار دارد. به این جهت، با توجه به منابع بسیاری که در دسترس او بوده، بیشتر به تاریخ الفی توجه داشته و به اخذ و اقتباس از این اثر پرداخته است. ضمن این‌که تاریخ حیدری اگرچه اطلاعات کامل‌تری نسبت به سایر منابع از جمله تاریخ الفی ندارد، اما می‌تواند مکملی برای منابع دوره صفوی محسوب شود.

### عدم تعارض منافع

نویسندگانی که نام‌هایشان ذکر شده است تأیید می‌کنند که هیچ وابستگی یا مشارکتی با هیچ سازمان یا نهادی که منافع مالی (مانند حق‌الزحمه؛ کمک‌های آموزشی؛ شرکت در سخنرانی‌ها؛ عضویت، استخدام، مشاوره، مالکیت سهام یا سایر منافع مالی؛ و شهادت کارشناسی یا ترتیبات مجوز اختراعات) یا منافع غیرمالی (مانند روابط شخصی یا حرفه‌ای، وابستگی‌ها، دانش یا باورها) در موضوع یا مواد مورد بحث در این دست‌نوشته ندارند.



## منابع و مأخذ

- ابن اثیر الجزری، عزالدین ابوالحسن علی بن احمد بن ابی الکرام، (۱۳۸۵ ق / ۱۹۶۵ م)، **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دارالصادر، ۱۳۸۵ ق. / ۱۹۶۵ م.
- \_\_\_\_\_، **تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران**، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، موسسه مطبوعات علمی، ۱۳۷۱.
- اسکندر بیک منشی، **عالم آرای عباسی**، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- افشار، ایرج، **عالم آرای شاه طهماسب**، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- انوشه، حسن، **فرهنگنامه ادبی ایران**، دانشنامه ادب فارسی گزیده اصطلاحات، مضامین و موضوعات ادب فارسی. چاپ دوم، تهران: فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱.
- بارتولد، و.و، **ترکستان نامه**، ترجمه کریم کشاورز، تهران: آگاه، ۱۳۶۶.
- تتوی، احمد، قزوینی، آصف خان، **تاریخ الفی**، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- حسینی استرآبادی، حسن، **از شیخ صفی تا شاه صفی، تاریخ سلطانی**، به کوشش احسان اشراقی، تهران: علمی، ۱۳۶۴.
- دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه دهخدا**، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- راوندی، مرتضی، **تاریخ اجتماعی ایران**، چاپ دوم، انتشارات نگاه، ۱۳۸۲.
- روملو، حسن، **احسن التواریخ**، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران: بابک، ۱۳۵۷.
- شیروانی، زین العابدین، **بستان السیاحه**، تهران: سنایی، بی تا.
- صفا، ذبیح الله، **تاریخ ادبیات در ایران**، تهران: فردوس، ۱۳۷۸.
- طبری، محمد علی، **زبدۀ الآثار**، تهران: امیر کبیر، ۱۳۷۲.
- عبیدی بیک شیرازی، **خواجه زین العابدین علی، تکمله الاخبار**، مقدمه، تصحیح و تعلیقات عبدالحسین نوایی، تهران: نشر نی، ۱۳۶۹.
- فتوحی، محمود، **سبک شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها**، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۹۱.
- گلچین معانی، احمد، **تاریخ تذکره‌های فارسی**، چاپ دوم، تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۶۳.
- نوایی، عبدالحسین، **اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور شاه تا شاه اسماعیل**، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.

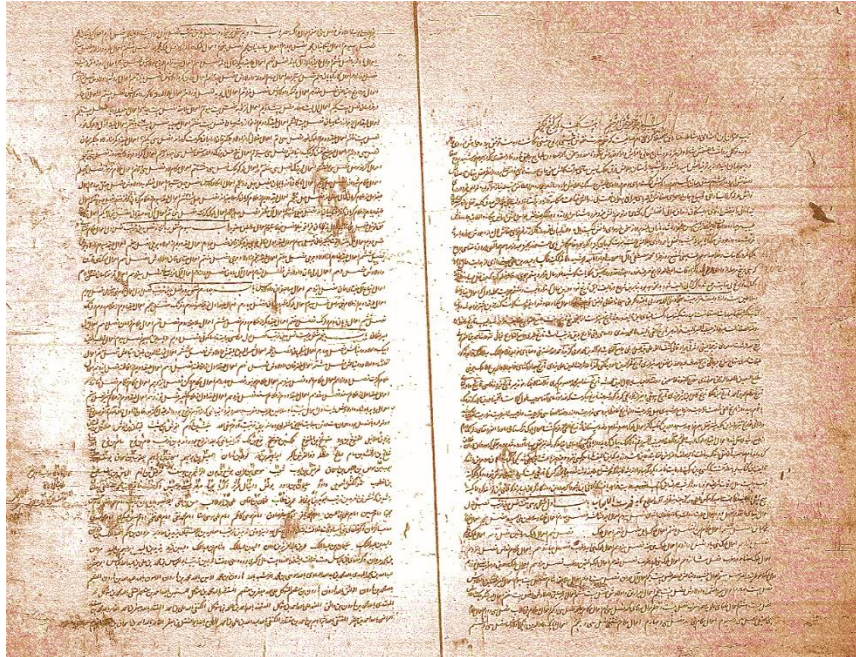


مطالعات

مقالات علمی

اخبار و گزارشها

### پیوست ها - تصاویر نسخه‌های خطی



برگ نخست نسخه کتابخانه ملی برلین



برگ آخر نسخه کتابخانه ملی برلین